



اصلی است و این یک روایت از حضرت امام عظیم رحمة الله علیه در روایت دیگر از
 امام صاحب و آن غریب صاحبین جمهور علماست که انتهای وقت ظهر تا یک مثل
 سایه هر چیز سوا سایه اصلی است سووم وقت عصر و آن از ختم ظهر هر نیزه و قول
 تا غروب آفتاب چهارم وقت مغرب و آن از غروب آفتاب تا شفق
 سنج پنجم وقت عشا و آن از غروب شفق سنج بر قول مفتی تا نیم شب
 و نزد امام عظیم تا صبح با کراهت تخیری و و م از فرضیه بیرونی پاکی جاتی نماز
 سووم پاک بودن پاچه نمازگزار چهارم پاک بودن بدن بصلی از نجاست پنجم
 پوشیدن ستر عورت و آن بر امر و از نافی تا زیر زانو است و برای زن - زن
 هر همه بدن سوا رو و کفهای دست و هر دو قدم و برای کنیز از پشت
 و شکم تا زیر زانو ششم قبله رو بودن هفتم نیت نماز

بیان منتهای اندرونی

یکی از آن تکبیر تحریمیه است و و م قیام سووم قنات چهارم رکوع پنجم
 و سجد ششم آخری قعد هفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام عظیم

و واجبات سنین و سجدات نماز بر تو در ترتیب نماز هویدا خواهد شد انشاء الله تعالی -

سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض است پس باید که پاکی و پلیدی را
شناسد پس بدانکه نجاست دو قسم است نجاست غلیظه و نجاست خفیفه
غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و وودی و ندی و چرکین آدمی است و پس
افکنده جانوران حرام گوشت و پخیال بط و ماکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد
و لعاب و تری خوک و سگ و فیل نجاست است خفیفه پخیال بول جانوران
ست که خوردن لحم شان جائز است پس از نجاست خفیفه اگر چه پیام
عضوی از عضوهای بدن یا رینه از رینه های پارچه آلوده شود پلیدی است نماز با آن
جائز نیست و اگر ازین مقدار کم است نماز جائز است و از نجاست غلیظه بقدر کم
و غیر آن خفیفه است نجاست از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن
آن مقداری که عین او را نمل شود کافی است و اگر غیر مرئی باشد پارچه راسته با
شستن و تبارش کردن پاک کند آب بر دو قسم است جاری و غیر جاری

سه بار و مسواک کند و در بینی آب از دست راست انداخته از نرنگشت و خنضر
 چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندارد سه بار و بشوید از کناره موی سر
 نازیز و فون و ناهرد و گوشش و تهامع آرنج سه بار بشوید و یک هم کند و آب در
 تقویت گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد و الا از دست راست بعد از دست
 چپ یک مرتبه مسح تمام سر کند یعنی هر دو کف دست را از آب تر کرده خنضر
 و بنصر و وسط هر دو دست را متصل کرده از چپین بر کاسه سترابن گردن
 کشد که سر انگشتان بر سرق سر گذرند پس سبب بهادر و نبرد و گوش گذارد
 و از نرنگشتان پشت گوشها مال و گردن را به پشت انگشتان مسح کند از دست
 جانب راست و از چپ سمت چپ و هر دو با هم شستگان بشوید چنانچه بار آب بریزد
 و خنضر خلال انگشتان پاکند که شروش از انگشت خرد پای راست باشد و خنضر از
 زیر قدم بالا آورد و بعد همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل
 پی در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبل و شسته وضو کردن
 مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان نگاه

سنت است
 و نیز فرموده که ده
 خنضر و ده بار

مستحب است

فون و سترابن

یعنی اگر گویان
 باشد شستن آن

فون و سترابن
 یعنی شستن آن

آن ضروری است

و مستحب است

سنت است

مستحب است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

محمد بنی پیامبرین است که بنیوی معبود این جهان است که گمانند که ایدان کنی و سکا شیرین کنی او که ای دنیا منور کنی

مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْهُ مِنِ

محمد بنده و رسول او است که این است که کردی بجا بود به کرسنه و الون سے او که کردی بجا بود

الْمُتَّحِرِينَ مِنْكَ اللَّهُمَّ وَجِدْكَ وَاسْتَغْفِرْكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

با کینه و لگوین بر باطن پاک تو ای الله برائی او و ترک او بر آتیه تغفیری که بخشش با گناهی تو به او بر می آید

سبق ششم در تیمم

چون تیمم قائم مقام وضو و هم شلست و وقتها باشد که به وضو نرسد می افتد

مختصرش به بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در

چاه موجود است اما بر آوردنش ممکن نیست تیمم کند یا خوف جان و گلی باشد تیمم کند

و در صحرا آب چند آن تجسس کند که وقت نماز نرود اگر احتمال فوت باشد تیمم کند

اگر در مرض خوف زیادتی مرض است یا زیادتی تکلیف تیمم جایز است و طریق آن

این است اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

۵۰
مستحب است
فرضی است
در نماز که
شبه است
در وضو
و اگر در وضو
و اگر در وضو
و اگر در وضو
و اگر در وضو

باید کرد و در هر دو صورت اگر نیت طهارت از حدت لاحق باطل نماز کند هم کافی است
 بعد بر سنگ یا بر خاک یا بر چیزی که از جنس خاک باشد بر دو دست یکبار زده بر
 روی خود مال چنانکه از آب در وضو میشود یکجای خالی نماند بار دیگر دستها
 زده حضرت بنصره وسطی را با کف دست بر پشت دست چپ از ناخن تا رنج
 بمال که خالی نماند و سبابه و نر انگشت را علی‌ه دارد اکنون دست چپ را بگیرد و از نر
 انگشت راست و سبابه حلقه زده جانب دیگر باز بر آید تا سر انگشتان چپ بجهان
 طوریکه جای خالی نماند چنانکه در وضو دست باز از دست چپ دست راست را
 بدین صورت بمالد و مسح انگشتان هر دو دست کند یعنی انگشتان یک‌گرا اندازد
 اندازد و بس این دو ضرب است در تیمم و برای وضو و غسل صورت یکست
 الا نیت و از یک تیمم مثل وضو چند نماز جائز اند تا شکسته نشود و شکسته وضو و تیمم یکی است
 یعنی آنچه وضو را شکسته تیمم را نیز شکسته و نیز تیمم را قدرت بر آب هم می‌شکند

سبق هفته شکنندهای وضو

براز و بول و ریج هر قدر که بر آید وضو را می‌شکند و با اختلاف یکی شکننده وضو است

لیکن این همه
 تیمم است از وضو
 تیمم نیست وضو
 تیمم قدر است
 که از سر انگشتان
 بر دو دست تا
 از جای خالی خالی
 نماند هر طوریکه
 باشد ۱۱ ۱۲ ۱۳
 نیت وضو بالا
 گذشت ۱۳ ۱۴

که وقت وضو هر قدر یکبار از عضوهای وضو بجای خالی ماند نفون و ریم که بر جل ران
برآمده از جای خود حرکت کرده باوقتی پیردین و خفتن و غنودن تنگیده زده اما خفتن در
قیام نماز در رکوع و سجده وضو را نمی شکند و هر چینه که موجب غسل است شکسته
وضو است و ندی و و دی و مینی که برآید و بنون و پیهوشی همه ناقض وضو اند اما
گذاشتن دست مسح بر موزه وضو را نمی شکند مگر شستن پا را واجب میکند

سبق هشتم در اذان و اقامت

یکی از سنن هر که اذان است که در صحر او بیرون شهر و مسجد یا مخصوص برای
فرض و در خانه شهر اگر گفته شود باکی نیست اذان چیست با نگیست بالفاظ ^{مخصوص}

که مومنان بر اجماعت نماز آگاه شوند چون وقت نمازی آمد حضرت بلال رضی الله عنه

اذان میگفت که پسندیده باری تعالی بود مومنان بروقت نماز مطلع شده در ^{شرف} مسجد

حاضری آمدند و بان حضرت صلعم نماز میگذازد که در اصل نماز باجماعت پس اذان آن

الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر

الله سب بڑا ہے الله سب بڑا ہے الله سب بڑا ہے الله سب بڑا ہے

چهار بار پس تشهد اَن لاَّ اِلهَ اِلاَّ اللهُ دو بار پس تشهد

گوای دیتا ہوں میں کہ نہیں کوئی معبود مگر اللہ
گوای دیتا ہوں

اَن مُحَمَّدًا رَّسُولُ اللهِ دو بار پس حیَّ عَلَى الصَّلَاةِ دو دفعہ پس

تحقیق محمد رسول اللہ کے ہیں
آؤ نماز پڑھنی کو

حیَّ عَلَى الْفَلَاحِ دو بار الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ اما این

آؤ بھلائی پر
نماز بہتر ہے نیند سے

وقت صبح گفتہ شود نہ در وقت دیگر اَللّٰهُ اَكْبَرُ دو دفعہ پتر

اللہ سب بڑا ہے

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ یکبار تمام شد مؤذن وقت اذان سباہای خود در

نہیں کہی معبود مگر اللہ
سورخ ہائے ہر دو گوش دارد و شنودہ را باید کہ ہر چہ مؤذن گوید

این ہم گویان باشد اما یہ حیَّ عَلَى الصَّلَاةِ حیَّ عَلَى الْفَلَاحِ

آؤ نماز پڑھنی کو
آؤ بھلائی پر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ

نہیں پڑا گناہ سے اور قوت عبادت پر گناہ سے مدد اللہ کے
گویدہ آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمودہ کہ گردنہای مؤذنان از ہم

بلند خواهد بود پیش شوند ازین بهره محروم نمائید بچشم اذان این دعا بخواند
 اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ أَمَّا مُحَمَّدٌ فَهُوَ رَسُولُكَ

ای الهای رب اس پور می او برای رب اس نماز قائم دی سردار جبار محمد صلم کو و سید

وَالْفَضِيلَةُ وَالذَّجَّةُ الرَّفِيعَةُ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَجْمُوعًا الَّذِي

و از بزرگی سب پر او در درجه بلند او بخرج او که مقام محمدین که بسا تو سنی

وَعَدْتَهُ وَأَوْزَقْنَا شَفَاعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْوَعْدَ

و ده فرمایا او نصیب که شفاعت او کی قیامت کن تحقیق تو نهی بدنا و ده کو

و بهره خواهد دعا کن که وقت قبول است بعد اذان برای اقامت جماعت این قدر

توقف باید که چهار گانه گذارده شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد

اکنون امام بجای خود قائم شود و موزن اقامت گوید یعنی تکبیر شروع

گند و الا هر مقتدی که بر دست راست امام باشد اولی است و چون تکبیر

گفته شود برای نماز مقتدی آن صف کشنده و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ

گفته شود امام نیت نماز کند و اقامت همچون اذان است مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ط قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ دوبار گفته شود الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ بَابُ
 گفت و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ گفته شود شنونده گوید اقامه الله
 وَاَدَامَهَا ط و بر الفاظ نای دیگر هیچ نگوید و مؤذن و مکبر لفظ الله را دراز
 دراز کند اما کبر را نکشد و در برابر کردن صفوف با اهتمام نماید و آنها را کج
 نباید داشت مقدم در صفها مردان اند ایستاده شوند بعد طفلان
 پس از آن خنثی و عنین پستین زنان چون امام تکبیر تحریمه گوید مقتدیان
 اقتدایش و نزدیک امام و سه مقتدی جماعت است اگر یک مقتدی باشد
 بیست راست امام برابرش است بدین پیری پسین از جماعت شصت امام باشد
 که قرآن از همه بهتر خواند و مسائل نیکوتر داند و اگر شخصی امام شود که قرآن
 و مسائل حین داند که از آنها نماز جائز باشد هم رواست

سبق نهم در بیان صفت نماز

نماز بر هر مومن عاقل بالغ فرض است هر که انکارش کند کافر است و هم اگر

این حضرت معلوم
 نیکوتر خواند

یعنی دوستان باشد
 و کاربرد و خیر
 فروختند و بخت
 نقصان توان
 کرد

باشد یعنی در وقت
 ضرورت غسل
 اقتدر

بقصد و استیفاء و تاسسه روز ترکش نماید اگر کرد شیخ فرض نیست که تا ترکش کافر گردد
 الا نماز بجزموده مقبول حضرت رسول صلعم من ترك الصلوة متعمدا
 فقد كفر و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم
 گیر چنانچه باری تعالی فرماید اقموا الصلوة پس قایم کردنش همین که بخوفه
 بر غیبت دل و با کسارت تمام باوقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به
 هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قضا
 گذارد و در صحت و مرض و سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذارنش تنفی نیست
 و نماز را بر آن طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد از اذان اقامت
 ایستاده شود بر هر دو وقت چهار و پاره برابر دارد به تفاوت چهار انگشت و نیت کند که
 نیت میکنم برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر و غیره
 پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر
 دو دست تا نریم گوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی الله اکبر گویان زیر ناف
 بند چنانکه دست چپ زیر دست راست باشد و از حضرت زرا انگشت راست

۱۰
 نزد امام غفر له
 الصدق

۱۱
 نیت و تکبیر
 فرض است

۱۲
 با بقدر قضا و کفایت

۱۳
 فرض مجنون
 کسب و اداء

۱۴
 در رکعت اول و دوم
 از زبان آوردن

۱۵
 این کلمات نزد
 بعضی مستحب است

۱۶
 نیت و تکبیر
 نیت مجنون وقت

۱۷
 کند

۱۸
 مقتدی را نیت
 اقتدا امام حاضر

۱۹
 الوقت و امام را
 نیت امامت نزد

۲۰
 است
 مستحب است

حلقه زند و زن وقت نیت برد و دست تادوش بر داشته بر سینه بندد
 این چسیت از همه کار ظاهری و باطنی دست برداشتن و دل بکارش آمیختن است
 و همین گفتن که خداوند تو از همه بزرگ و برترستی و من بنده حقیر و دست پیش تو
 آمده ام و بر کسی و بر هیچ جانب نظره اندازید و التفات نکنند و بر جای سجده
 نظر دارد و بجز ز و فروتنی ایستاده باشد بدین طور ایستادن چسیت

پیش شاه حاضر شده عرض معافی است از تقصیر و گناه خود بدین سبب
 در ابتدا قیام تسبیح گفته میشود آنرا ثنا گویند الفاظ آن این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَدِّكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ
 توبه ای و در هر روز یکبار می گویند و در هر روز یکبار می گویند و در هر روز یکبار می گویند

وَكَلَامُهُ غَيْرُكَ هُ اعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
 و در هر روز یکبار می گویند و در هر روز یکبار می گویند و در هر روز یکبار می گویند

الرَّحِيمِ هُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 شروع کرتا ہوں میں ساتھ نام اللہ جو بڑا مہربان نہایت رحم والا

در اینجا تقصیر
 است علامه
 شافعی بنوادی
 کرده ۱۱۱۰
 ع
 مستحب است
 و ادب است
 ع
 واجب است
 ع
 شریعت است
 است ۱۱

۵۰
انکار تکبر است۵۰
کونان تعریف است۵۰
نویان بخیر است
۵۰
و درین مقام کمال
۵۰
علیه السلام و علی بن ابی طالب
۵۰
سید بنده ۱۲۵۰
کند و خرد
۵۰
و کینه خور
۵۰
چون او را
۵۰
ببین
۵۰
چنین باد۵۰
این در پیشگاه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝ مَا لِكِ

سب تعریف الله کوی جو صاحب جهان کای بڑا مهربان نهایت رحم والا مالک انصاف کے

یَوْمَ الدِّیْنِ ۝ اَیُّاكَ نَعْبُدُ ۝ وَاَیُّاكَ نَسْتَعِیْنُ ۝ اِهْدِنَا

دن کا تجھی کو ہم عبادت کرتے ہیں اور تجھی سے مدد چاہتی ہیں ہم دکھادی ہو

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ

راہ سیدھی راہ اون کے جن پر تونے احسان کیا اور تے دکھائیے اون کا

غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَكَالضَّالِّیْنَ ۝ اٰمِیْنُ ۝

کہ جسکے علیہ الوہی غضب ٹوٹا اور نہ گمراہوں کا راستہ دکھایا ایسا ہی ہووی اے اللہ

آمین مخفی گوید و بروقت خواندش دل بر معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات

اول فرض یک آیتہ کلان یا سئلہ آیتہ خورد آمین یعنی اول سورۃ فاتحہ و بعد

سورۃ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز

سنت و فصل در ہر رکعات آمین بیدین واجب است چون از بہترین سورتہا خورد

سورۃ اخلاص است لہذا در پیرچہ نوشتہ می آید سورۃ اخلاص

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۝ اللّٰهُ الصَّمَدُ ۝

کہہ دو ای محمد صمد کہہ اللہ ایک ہے اللہ بے نیازست

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

نہ اسنے جنما۔ اور نہ وہ جنا گیا۔ اور نہین اوسکے جوڑ کا کوئی

یا پھر سوگیر سورہ یا آیت آمیزد اما کم از مقدار نہ کورہ نباشد پس رکوع

یعنی اللہ اکبر گوایں سر فرواندار دیند انکہ سر و پشت برابر سرین باشد و

کہ چون تخت باشد و باہر و دست زانور محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و

خفیه خواند سبحان ربی العظیم این از بالا افتادن صیت

پاک است رب بیتی کہ جوڑ است بران کہ چون دعا صورت اجابت گرفت داعی بخوابش زود

قبولیت نظر بار خیر کرد و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پیورندہ

بتری و پاک از ہمہ بدی اگر سبحان آن در نفل زیادہ از سہ حساب طاق

خواند بہتر است پس سمع اللہ لمن حمد بطور مذکور گفتہ قومہ کن یعنی

از رکوع بر خاستہ قائم شود و دستہا کنار د و چون امام سمع اللہ گوید مقتدی

و همچنین منفرد بعد سمع اللہ خود ربنا لک الحمد خواند و اگر

حمد اکثیراً طیباً مبارکاً فید بعد ربنا لک الحمد بفرستد

۵۴
فرق است
۵۵
سنت است

۵۶
سنت است

۵۷
و این است
۵۸
بجا آوردن

۵۹
سنت است

۶۰
سنت است

۶۱
سنت است

هم خوب است و اگر امام هم این تحمید را گوید نزد بسیاری از علما مستحب است
 چون بلندی درجه هویداشت داعی حیران شده سر برداشت که خواب است
 یا بیداری کجا من بنده هیچ کاره و کجا این درجه مقربانه و بعد وقفه چو این تفتیش
 بر زبان خود کلمات شکو و عاظمی را نهد چون اینجا درجه قبولیت پدید آفت
 سرشکرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجد و چنان رود که
 اول هر روز از نو بر زمین رسند باز هر دو کف دست باز سر در میان هر دو دست
 نهنگ که جبین و بینی هر دو قرار گیرند نظر بر بینی افتد و انگشتان قبضه رو بآ
 ابروها و شکم از فخذین و زمین علییه باشند و زن این هر سه عضو را
 چپانند و خوانند سه بار خفیه سبحان کی الاله گویا نبران
 حال میگوید که تو پاکی و پرورنده برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را
 بخاک گنم اگر تکرار تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که
 هیچک برابر او نیست و من و همه پیش او نهایت عاجزانه و همین من و من است
 اکنون الله اکبر گویان سر بردارد و روزا نوشتند که پنجه پای راست

و این سه بار
 تسبیح را
 بخواند

و این سه بار

تسبیح را

ایستاده باشند و انگشتانش قبله رو بر زمین باشند و پنج پیر خود
بگسترانند و نظر و هر دو دست بر فم بین دارد و انگشتان قبله رو وزن هر
دو قدم خود بجانب راست بیرون گذارد و این را جلسه نامند و بخوانند

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي

ای الله بخش دی گناه من و در مهربان شو بر من و راه را بر من مستقیم گردان و روزی دی بجزگو

وَارْزُقْنِي وَاجْعَلْ بَرْنِي

و روزی دی بجزگو و در نقصان من بجزجا بجزگو

این شکرنامه را که در باز بدعا و حاجت هر روز رزق و عزت میخواند اکنون چون شکر
قبول پیدا شده نتوانستن شستن و گریه باره افتاد و حسین نیاز
بر زمین نهادن پس زمین بطور سجده دیگر نمایند این هر دو سجده فرض اند باید
که هر دو را پس در پیش کن این یک رکعت شد همه رکعات باین طور ادا کنند چون

دو رکعت با تمام رسانند بنشینند بهمان صورت که در جلسه سته بود و بخوانند بجزفیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

الحمد لله و صلوات و طهارت و سلام بر تو ای محمد و آله و عترت

إِنَّمَا السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای نبی رحمت الله کی و در برکتش او کی سلام بر همه

و در سجده

و در ایستادن

و در ایستادن و در
پنجین و در ایستادن

و در ایستادن و در
پنجین و در ایستادن

و در ایستادن و در
پنجین و در ایستادن

وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ۚ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۚ

اور اوپر صالحین و نیکو انسان خدا کے

میں گواہی دیتا ہوں کہ کوئی لائق عبادت نہیں

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ۖ

اور گواہی دیتا ہوں کہ محمد صلعم نبی اوسکے ہیں اور رسول اوسکے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید این کلام که شب معراج با هم گمان

و محبوب ہمتا در میان آمد و بود پس بدان کہ نماز برمی ہر یکی ازین است

بدین معراج است مصلی را باید که خود را به حضور آن تعالی داند و این را قاعده اولی

گویند اگر نیت چهار رکعت بود و در رکعت و قعده را شفعه نامند پس اگر نیت

برای چهارگانه است بنخسیر و تکبیر گویان که شروع میکنم ازین جاتا آن که

راست شود و قشیکه تعداد رکعات موافق نیت تمام شود نشیند که این بر تقدیر

آخر فرامند اینجا بجزت شهید یعنی التحیات و درود ما با و شامل کند و درود ما اینست

این بار هم مخفی خواند **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى**

ای اللہ درود پہنچا دیں اور اوروں کے

اَلْحَمْدُ لَكَ يَا صَلَّيْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ

اولاد محمد صلعم کے جیسے کہ رحمت پہنچی ہوئے اور ابراہیم علیہ السلام کے

وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام کے تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ

ای اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونی

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝

اوپر ابراہیم علیہ السلام کے اور اوپر اولاد ابراہیم علیہ السلام کے بیشک تو تعریف والا اثر ہے

واین درود اچست تو کوئی کہ چون فرشتگان این سوال وجواب کیل

لایست مرتبہ است بشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شد

بودند اللہ اللہ برای ہر یک مصلی صد ناز پس وقت است کہ ہر التجا درجہ

پیرانی یا بد چون از کمال تحمید گوناگون فایز شدہ و پس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود و بہترین ازینہا این ست

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای ہمارے واسطے ہماری دنیا میں بہلائی یعنی نفع دے اور دنی اور دی سچ آخرت کی

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ہاں السلام علیکم وعلیٰ آئینہ

نیکی کر دے اور فضل دے اور بچا ہمارے عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمنا ہی اور رحم

الله گوید و جانب راست سرگردانند باز السلام علیکم ورحمة الله
 الله ^{سلامتی بود او بر تنها کرد و رحم الله}
 گوید و جانب چپ سرگردانند اکنون نماز تمام شد چون بعد سلام
 نماز فرض وقت اجابت دعاست باید که پیشوع و خضوع بدعا مشغول شو
 و هر چه خواهد طلب را مانچه لایق شان آن تعالی شانه باشد این سلام
 بر فرشتگان و امام و مقتدیان است که امام بر مقتدیان و فرشتگان
 سلام گوید و مقتدیان بر امام و فرشتگان و مقتدیان در سفر ظهر و عصر
 و عشاء دو رکعت باید خوانند آنرا نماز قصر گویند۔

سبق دهم در تعداد رکعتهای نماز پنجگانه از فرائض و سنن و نوافل

در نماز صبح چهار رکعت اند اول دو سنت اند مگر آنکه ضرورت خواند چند آنکه اگر در وقت
 صرف امید یافتن یک رکعت دارد تا هم این ترک نماید اما اگر وقت تنگ باشد
 این را ترک کرده صرف فرض ادا کند و سنت بعدش ضرورت نیست و دو رکعت فرض
 اما در فرض او با هر یعنی فاتحه و سوره را با و از ظاهر خواند اگر تنها باشد خواهد هر چه است یا اختفا
 در ظهر دوازده رکعت اند اول چهار سنت پس چهار فرض یا اختفا از دو رکعت

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چهار رکعت سنت اولی را بخیر
 کرده فرض و جماعت در یابد و بعد از این چهار گانه را ادا نماید اگر وقت
 تنگ باشد فرض اول بخواند بعد از این چهار و دیگر را اگر وقت خارج
 شده باشد و الا سنت قضا کرده نمی شود و بیست و پنج تفصیل است
 نماز جمعه که وقتش وقت ظهر است فرض است بر هر مرد صحیح مقیم
 شرطهاست یک برای او ایش باشد شش گانه اند که از آنها یک جماعت است
 که بدو نش نماز جمعه ادا خواهد شد یک خطبه است که آن حضرت مسلم بدو
 خطبه میخواند اگر خطبه حاضر باشد این تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر
 بِسْمِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ
 پاک است الله سی و شش مرتبه تعریف الله که او را کوئی معبودی نیست این یک است یا خدا و الله سی و شش مرتبه
 قایم مقام خطبه خواند شد و در میان هر دو خطبه وقفه خفیفه باید و بغیر دست برداشتن
 دعا نماید که وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ برایش گفته آید و مردان
 به صف در نشینند و الا خطبه خوانده شود بعد نماز جمعه دو رکعات با هر رکعات
 نماز جمعه دوازده باید خواند اول چهار سن بعدش دو گانه جمعه با جماعت بعد
 دو سن دیگر و درین زمان که علماء در وجود شرط ادا ای جمعه درین دیار اختلاف اند

چهار رکعات فرض بنیت احتیاط جمعا ادا کردن خوبست اما در هر چهار رکعات
 فاتحه و سوره خواند این نهاد و از ده رکعات شدند و در عصر چهار رکعات اند
 فرض بلا جهرا اما اگر پیش آنها چهار یا دو رکعت سنت خواند شو بهتر است در مغرب
 مغرب هفت رکعت اند اول سه گانه فرض با جهر منقرض خواند خواه چه کند یا اختا یا
 دو سنت و دو نفل باز اگر چهار رکعات یا شش نفل بر دو رکعت بیک سلام ادا نماید
 نیکوتر است و چهار رکعت بیک سلام هم جائز است و نام این نفلها صلوة او این است
 در عشا اگر اول چهار نفل خواند بهتر است بعدش چهار گانه فرض ادا نماید امام باهر
 و تنها هر گونه خواهد بود بعد از آن دو رکعت سنت بخواند و ترخواندن که واجب و قنقش
 در وقت عشا افتاد مع لحاظ ترتیب پس باید که بعدش سه گانه وتر ادا کند و بعدش
 دو نفل خواند و بهتر است که این را شسته خواند چون بنده این رکعات عشا را با جهات
 ادا کرد گوید یا که همیشه در عبادت گذاشت اما اگر در عشا چهار نفل پسین ادا نماید و
 گفته کند بر چهار فرض و دو سنت و سه گانه و تر بعدش دو نفل هم کافیست
 و باید دانست که وتر سه رکعات بیک نیت با خفا و تراست بعد دو رکعت قهقهه کند

سبق یازدهم در بیان بعض ضروریه

جائز است همه سازد در ریل اگر استاده باشد متکلف نیست اما وقتی که روان
 باشد و راد کردن نماز اگر برای قیام ریل انتظار کن بهتر است اگر خوف باشد
 که در انتظار وقت از دست میرود باید که نماز گذارد و احتیاطا بعد فرود
 آمدن از ریل قضایش کن برای نماز فرض قبله متعین کرده نیت کن بجهت
 اگر ریل برگردد مضائقه ندارد خود هم برگردد و بر آن فصل بر سوار بیرون
 از شهر تعیین قبله ضروریست متنقل مختار است که استاده گذارد یا نشسته
 از نمازهای واجبه نماز عید الفطر وضحی و تراویح در رمضان
 شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر وضحی دو دو رکعات
 باشش شش تکبیرات اند برای شان نیت کند که نیت میکنم
 برای نماز عید الفطر یا عید الضحی
 باشش تکبیرات با قدرائی این امام بعد تکبیر
 تحریمه خوانده سه تکبیر با گویند چنانکه بر هر تکبیر رفع یدین کند

اما در میان تکبیر تا پند در این چهار تکبیرات شدند اکنون دستها بپند
 و نماز شروع کند و قبل رکوع ثلثه سه تکبیرات گوید چنانکه در رکعت
 اولی گفته شد بعد چهارم تکبیر گویان رکوع کند بعد نماز بدستور تمام کند
 و بعد نماز خطبه است نماز تراویح بست رکعات اندر ده سلام در ماه
 رمضان شریف در وقت عشا تا ختم قرآن مجید سنت موعده است که حضرت عمر
 رضی الله عنه بر تارک آنها حکم جهاد فرموده اند چنانکه وقت اند که در آن
 نماز و سجده منع است و آن وقت طلوع و زوال و غروب
 آفتاب است مگر عصر آن روز و در میان نماز عصر و مغرب چند وقت اند که در آن
 نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمه شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح
 صادق تهجد است که آنحضرت صلعم گاهی ترک فرموده این از دوازده
 رکعات تا چهار رکعات است و بعد یک نیزه بر خیزدین آفتاب
 چهار گانه نفل است چنانچه نماز فجر خوانده در ذکر ماند و تا این چهار گانه
 ادا نکرده باشد در شغل دنیا میل نه نماید تا ثواب یک حج

و عمره یا بدین راه شراق گویند و بعد یکپاس روز چهار گانه دیگر است
 و چاشت نامند توفیق رفیق یاد که این همه ادا کرده آیند به چهار رواست در
 همه نوافل و شب نه در روز نماز و شب ناهشت رکعات به چهار قعه و یک
 نیت رواست اما در روز از چهار گانه نفل بدو قعه و یک نیت جائز نیست مقتدی
 در هر نماز خاموش ایستاده قرآن امام شنود و قرآن بخواند اما اگر فاتحه خواند
 خوب است که آنحضرت فرموده اند لا صلوات الا بفاتحة
 الكتاب و اقتدای امام کند و در هیچ رکعت پیشی نگیرد
 و در نوافل شب بغیر تراعی و در قضا هم امامت رسواست

سبق دوازدهم در شرکت جماعت

یعنی وقتی که جماعت قایم است یا شخصی فرض ادا میکند و کسی باینها شرکت
 میخورد و باید که تکیه گوید و شریکیش شده اقتدای امام کند اگر امام پیش
 جماعت ایستاده باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف بایستد و پس از آن
 اللهم بخواند و تکیه که امام نماز تمام کند و سلام دهد مسبوق مقتدی

را باید که بدون سلام بنحواسته باقی نماز را با تمام رساند بدین طور که اگر
 از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از
 شفعه آخری چیزی مانده بلا سوره تمام نماید اگر شخصی تنهادر نماز باشد مسبوق
 باید که وقت شریک شدن تکبیر با جهر گوید تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت
 کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست بچیزی پس استاده شود
 اگر این شخص تنهادر امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق
 تکبیر چیری گوید معلوم شد که فرض ادا نماید پس باقتدایش پروانده و اگر
 تکبیر مخفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدایش گسلد و اگر امام در رکوع است
 یا در سجده و غیره باید که مسبوق نیت کرده برود دست بجه بر بسته در همان رکن
 شریک شود که امام در ویست و برگردان نظر قیام امام نکشد و قتیکه مسبوق نماز
 بقیه خود را ادا کردین شروع نماید و راولش ثناخواند اگر یک مقتدی باشد دیگر
 نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و هر دو برابر
 پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستند

و امام البته جای خود پیش قدمی کند و همین بهتر است

سبق سیزدهم در سجده سهو

آن دو سجده کردن است با تشهد و درود و عاینه بعد تشهد یک سلام
گرفته دو سجده کند و بعد تشهد و درود و دعا خوانده نماز تمام کند
در نماز که سجده سهو لازم شود اگر ادا نکند اصل فرض از ذمه ساقط شود
لیکن عاده آن نماز بر ذمه واجب نمی ماند و آن در تأخیر رکع فرض و در ترک
واجب واجب می شود تأخیر فرض آن است که مثلاً بعد یک رکعت بقدر
ادائی یک رکع یا زیاده پشت سجده سهو کند یا در قعده اولی بعد
خواندن تشهد بر آب ریختن تأخیر کرده و درود **اللهم صل علی محمد**
خواند سجده سهو کند ترک واجب آنست مثلاً ترتیب ساقط کردن چنانچه
سوره قبل فاتحه خواند یا سجده سهو بر رکوع مقدم ساخت یا بفاتحه
سوره نیامخت یا قومه یا جلسه یا قعده اولی نکر یا نماز بلفظ السلام
تمام نکرد این صورتها سجده سهو کند و از اینها یک خط باشد

یا زیاده سجد سیهو یکبار کرده خواهد شد اگر تسبیحات رکوع و سجود دعائی قوی و متعین باشد
و تشهد و درود که خفض اند با و از مسوعی بر خواند اگر قرات خفی را با جهری
یا جهری را با خفا داد اگر در قلیل یا کثیر سجد سیهو کند سجد سیهو
لازم نباشد البتة در جهر تشهد بعض فقها بمنزوم سجد سیهو قائل اند

سبق چهارم در مفسدا و مکروهات نماز

مفسد اگر ترک کرد فرضی یا زائد کرد عملی که منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً
قیام یا رکوع یا سجده یا قاعده آخری نکرد یا نیت نماز فاسد شد یا در سجده
انگشت های هر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد
نماز فاسد شد یا سر و سینه از قبله برگردید یا تحنُّج یعنی آواز از خلق برآورد
صاف کردن صوت که از حروف اَح اُح بلا عذر و بلا غرض صحیح کرد
یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پیه در پیه اند یا
حرکتی که نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بیننده معلوم شود که حرکت کند
در نماز نیست و این صحیح ترین اقوال است مکروهات در نماز بر یک پایستادن

و پارچه پوشیدن حقیر و ذلیل با وجود بودن پارچه خوب و عزیز و نگاردار و بدوش
 داشته گوشه‌هایش را نکردن و نماز را در شدت حاجات ضروری یا در اشتها
 سخت طعام و آب با وجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه
 سر نماز گذاردن اگر تواضع‌انگیز باشد و خاک و خاشاک از جیب
 سبی و صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

سبق پانزدهم در عاها و عملها

باینکه بعد نماز بیدار مشغول شود هر چه که لائق خواستن از آن بارگاه باشد
 بر جوع قلب است دعا نماید که دعائی مومن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد
 در آخر ضرور راجع عظیم است آید و خاص اوقات قبول این است بعد نماز ظهر
 و در ثلث آخر شب و در میان شصتن امام هر چه بر دل می‌نویسد یا در جمعه یا ختم
 و در میان ماه رمضان مبارک خصوصاً وقت افطار و وقت غروب و بعد از نماز
 و در غایت غایت ظهورش هر وقت مقرر در علم الهی و فوق و نیز بشروط
 شروط ادعیه که در قرآن مجید و سوره‌ها و...

آئندہ از بہتر اند خوب و مرغوب بنده دینا لا تو اخذنا ان شینا او
 ای رب ہمارے بھائیوں کو جو ہم کو کہنے والے ہیں کہ

اَحْطَا نَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ

کرے ای رب ہمارے گناہوں کو جو ہم پر ہے جیسا کہ تم نے ان کے گناہوں کو جو تم پر تھی

مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ

جو ہم سے پہلے تھے ای رب ہمارے گناہوں کو جو ہم پر ہے جیسا کہ تم نے ان کے گناہوں کو جو تم پر تھی اور عاف کر

عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا فَاقْضُ نَا عَلَى الْقَوْمِ

ہم سے اور بخش کر دے ہمارے گناہوں کو جو ہم پر ہے جیسا کہ تم نے ان کے گناہوں کو جو تم پر تھی اور رحم کر دے ہمارے گناہوں کو جو ہم پر ہے جیسا کہ تم نے ان کے گناہوں کو جو تم پر تھی اور عاف کر

الْكَافِرِينَ ۝ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا

کافروں کو ای رب ہمارے گناہوں کو جو ہم پر ہے جیسا کہ تم نے ان کے گناہوں کو جو تم پر تھی اور عاف کر

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۝

اور دی تو نے ہم کو اپنی رحمت سے بیشک تو بڑا ہی دینی والا ہے۔

رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا

ای رب ہمارے ظلم کیا ہم نے اپنی جانوں پر اگر نہ بخشے گا تو ہمارے گناہ

وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ هَٰ سُبْحَانَكَ

اور نہ رحم کریگا ہم پر بیشک ہم ہو جائیں گے تباہ دنیا و دین میں ای پالنے والی ہمارے تحقیق

سَمِعْنَا مَنَادًا يَّاتِيَادِيَّ لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا

سنایا کہاریوا کے کہ ایمان کی طرف پکارتا کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لائیں

رَبَّنَا فَاعْفُ رُكَّنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے گنہ اور دور کر جسے برائیاں ہماری اور مارہکو

مَعَ الْأَبْرَارِ هَٰ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

ساتھ نیکوں کے ای رب ہمارے تو ہم کو وہ چیز جس کا تیرے وعدہ کیا جسے اپنی رسولوں کی

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

اور مت رسوا کر ہم کو دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہیں ہے وعدہ

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہم کو دنیا میں نیکی اور آخرت میں

حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ هَٰ رَبَّنَا تُقَبِّلُ

نیکی اور بچا ہم کو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ واین غیر از قرآن دعائے

ہمیشہ ہماری کلام تحقیق تو سننی والا جانتی والا ہے

ما تَوْرِهَ اسْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى

ای اللہ درود پہ اوپر سردار ہمارے محمد صلیم کے اور اوپر

أَلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوةً تَجْنِبُنَا بِهِمَا مِنْ جَمِيعِ

اولاد سردار ہمارے محمد صلیم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہم کو اوسکی برکت تمام ہشتون

الْأَهْوَالِ وَالْأَفَاتِ وَتَقْضِي لَنَا بِهَا جَمِيعَ

دنیا اور آخرت اور دارین کی آفتوں اور پوری کربھاری سبھی واسطے تمام

الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا بِهِمَا مِنْ جَمِيعِ السَّيِّئَاتِ

دونوں جہان کی حاجتیں اور پاک کر دے ہم کو اوسکی برکت سبب برائیوں سے

وَتَرْفَعُنَا بِهِمَا عِنْدَكَ أَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَ

اور بلند کر دے ہم کو اوسے سبب اپنی نزدیک بلند ترین درجات میں اور

تُبَلِّغُنَا بِهِمَا أَقْصَى الْعَالِيَاتِ مِنْ جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ

پہنچا ہم کو اوسکی برکت سبب نہایت مہذب و نیر تمام بہلائیوں سے

فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

شیخ زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخرت میں تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قَدِيرٌ ۝ وَدِيكَ غُوبٌ سَتِ اللَّهُ مَا غَفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ

قدر کرنے والا اور دیکھ غوب ست اللہ ما غفر لی ووالدین

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری ماں دادیوں اور زانیوں کو اور تمام مسلمانوں اور مسلمانوں کو

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْمُجِيبُ الدَّعَوَاتِ ۝ وَطَائِفٌ

البتہ تو سنی والا قبول کرنے والا دعاؤں کا ہے

بَابُ الْخُزَائِنِ رَابِعُهُمْ نَزَارُ فَرَضَ وَإِنْ رَأَيْتَ الْكَرْسِيَّ مِثْلَ كُرْسِيِّكَ

بَابُ الْمَجْرِبَةِ وَخَوَانِدُشْ بَعْدَ فَرَضٍ فِي حَدِيثٍ شَرِيفٍ وَارِدٍ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

اللہ ہی نہ نہیں کوئی معذرت سچا سوا اس کے زندہ تھانی والا نہیں لگتی اس کو اونگہ

وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

اور نہ نیند اسی کی ہے ہر چیز جو آسمانوں اور زمین میں ہے

ابن راسخ

ہاں

از بودا و دیا

شخص

بارہویں

کے لیے

تو ہے

قبول ہونی ہے

اور سب کی سب

میں والوں کو

رزق پہنچانے

نہ

از روایت ابوال

مؤرخ

ناتک

کوئی

وہاں

نہ کی

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ

کون ایسا جو شفاعت کرے اس کے حضور میں مگر اوس کے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

وہ شے جو آگے اون کے ہے اور جو پیچھے اون کے ہے اور نہیں گہیر کتے لوگ

بَشِيرٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچھ اس کے علم سے مگر جتنے روئے جا گہیر کیا کرسی یعنی بادشاہی اس کے لئے تھا تو

وَالْأَرْضِ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

اور زمین کو اور زمین تنہائی اس کو نگہبانی اون کی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شد دیگر این است کہ از ثواب او زمین و آسمان پر شوند و بندگان الله

سے دس بار آحمد لله سے دس بار الله اکبر سے دس بار بار بعد

ہر نماز فریضہ و ہم وقت خواب شب بخواند بسم الله الذی لا

یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء

کہ زمین نقصان پہونچا سکتے اس کے نام ساتھ کوئی چیز بح زمین کے ہو یا بیچ آسمانوں کے

ان دعوت و ثواب
تو کی اس کے ثواب
باجائز و ثواب
و غیرہ کے ثواب
کوئی چیز اس کو
نقصان پہونچا سکتی

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ^۱ سید بار بعد نماز مغرب و فجر کہ در ہمہ
 اور رخنہ والا دعا کا اور جاننی والا ہر ایک کا۔

شب و از صبح تا شام از ہمہ آفات محفوظ ماند و نیز بخواند بعد نماز صبح و مغرب ^۲ سید

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ^۳

پناہ مانگتا ہوں ساتھ برکت نام اللہ کے ^۴ سنی والا جاننی والا برائی شیطان مردود سے

وَيَكْبَرُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ ^۵

وہ ہی ہے اللہ وہ اللہ کہ نہیں کوئی معبود گمراہ جاننی والا پوشیدہ کا

وَالشَّهَادَةُ ختم سورہ شمر کہ تو ابش در حدیث شریف بسیار ^۶

و نیز در حدیث شریف صبح و شام خواندن ^۷ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ

اللَّهِ الْكَامِتَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ^۸ و ارد شدہ و بخواندن صبح و شام

اللہ کے پورے برائی چیزیں مہیا کی ہوئی سے

يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ

کہا ای محمد صلم ای کافرو میں نہیں پوجتا اور سحر کو

۱۔ از حدیث شریف
 ۲۔ بن سائر
 ۳۔ سید
 ۴۔ سنی
 ۵۔ سنی
 ۶۔ سنی
 ۷۔ سنی
 ۸۔ سنی

۱۔ از حدیث شریف
 ۲۔ بن سائر
 ۳۔ سید
 ۴۔ سنی
 ۵۔ سنی
 ۶۔ سنی
 ۷۔ سنی
 ۸۔ سنی

مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

کہ جسکو تم پوجتی ہو اور نہ تم پوجنی والے ہو جسکو میں عبادت کرتا ہوں

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

اور نہ میں عبادت کرتا ہوں اور نہ جسکو تم پوجتی ہو اور نہ تم عبادت کرتے ہو

مَا أَعْبُدُ إِلَّاكُمْ رَبِّكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝

جسکی میں عبادت کرتا ہوں تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرا ہے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار بخواند ثواب سالم یک قرآن یا بدو بخواند بعد مغرب

و فجر سورہ اخلاص ستر بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ

تا آخر بخواند معوذتین ستر بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ

گہما گہما صلیح پناہ پکارتا ہوں ساتھ پناہ پکارتا ہوں اوس چیز جو اوسنی پیدا کی اور برائیوں کو لینی

غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝

رات جسوقت ڈمانے اور برائی ہونکنی والیوں پہنچ گریہوں کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَهُ قُلْ أَعُوذُ

اور ہر بے حسد کی ترس ہے جس وقت کہ حسد کرے کہای محمد صلعم پناہ مانگتا ہوں میں

يَرْبِي النَّاسَ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ

ساتھ پالنے والے لوگوں کے بادشاہ لوگوں کے معبود لوگوں کے

شَرِّ لَوْ سَوَّاسِ الْخَنَاسِ هُ الَّذِي يُوسُوسُ

بہرائی دوسو سہولنے والے پیچھے ہٹ جانے والے سے درجہ دوسو سہ ڈالتا ہے

فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ هُ

پنج سینوں لوگوں کے جنوں میں یا آدمیوں میں

از آئینہ نا اینجا ہشت عدد وظیفہ است بعد نماز مغرب و صبح بمقدار مذکور

ہر روز بلا ناغہ بخواند تا از ہمہ بلیات و آفات دنیوی و اخروی اولتقا

مامون دارد انشاء اللہ تعالیٰ

نصائح حمیدہ و اخلاق پسندیدہ

اسعدک اللہ تعالیٰ فی الدارین شرک بخدای یگانہ

و مادر را زحمتی بزرگ از منعم حقیقی شمار که او را باعث حیات تو گردانید
 و در نکوئی بخاور ترا تو اب حج و عمره و جهاد بخشیده **۵** جنت که رضای
 مادران است **۶** در زیر قدم مادران است - حکم پدر بجا آر و بیک
 باش که گاهی جور بلفظ اُف هم بایشان از تو نرسد - و بدان که رضا
 مالک حقیقی برضای ایشان است - نماز پنجگانه را بپا دار و به هیچ حالت
 نگذار **۷** روز محشر که جانکد از بود **۸** اولین پرسش نماز بود **۹** روزه
 رمضان ادا کن و زکاة مال بده و ازینجا خوب گفته شهر زکوة مال ادا کن که
 فضله زر را **۱۰** چو باغبان بدر بیشتر دهد انگور **۱۱** و حج را بموجودی شرط
 از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود مبنه - و قتیکه توانی بوال
 شود احسان **۱۲** و قتیکه او شان ناتوان شوند باز وی شفقت زیر پائی ایشان
 بگستر و اقارب خود را یگانه بدار چون عقارب مشمار حق همسایه مسکین و مسافر
 و ماتحت خود به نکوئی بده - و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف
 است و بتذیر - و مبدین برادران شیطان حقیر هر که این خصلت بدر

کند انجاش بندامت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بنام
 خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدی رواست اگر و ثوق داری که هر چه بپوش
 بگذرد بران صابر باشی و حاجت خود را نزد کسی نه بری و کسی را حاجت خود ^{نیستی} ^{مطلوع} ^{نگار}
 و الا توسط اولی ای فرزند هوش دار که شیطان دشمن پاهای است هر چه
 که اراده بدو در دل نیابی از او پرهیز که آن از شیطان است تا توانی بگیریز
 بخل در انفاق خود مکن که این برادر اسراف است و بدترین صفات اشراق
 در هر کار میا رو باش تا که در دایره خوش باشی و بشاش ای فرزند بخش جان خود را
 که مراد محبت است که این بسیار زبون و سخت او نزد بکاری و ز نامر و کجیانی و شرمساری ^{است}
 و اراده مال کسی حق گرفتن ببل میا چه این فعلیست که حق تعالی از او بهیزا است
 و طمع بیکار ^ع طمع را همه حرف است هر سه تھی ^و آنچه که بگوئی بجا آید
 ورنه عهدش کنی است و این هر جابجاعتبار از غیبت و تمامی اجتناب گیر
 و از کسی گوش مدار و بدروغ و تهمت بهشدار بدی کسی پیش تو آید ^{مشمار} ^{راست}
 تا وقتی که پائی ثبوت نه آید و هر که دیگران را بد گوید او را بران ^ه ^{هر که}

عیب دیگر آن پیش تو آورد شمرده بیگمان عیب تو پیش دیگران خواهد بود
 زینهار تکبر بسیار میخورد را نیکو و کلان و بزرگ مشمار و دیگران را از خود
 ذلیل و خوار که معالم الملکوت ازین راه از بالا افتاده و کلاه عزت بهوائی مذلت
 و ردا داده - هر که چونند کبر و ریا بنزد در عالم کبریا نپرسید **ع** تکبر مکن زینبارای
 پسر **ع** که روز جزاستش و رآئی بسرا ای فرزند خود بینی و خود نمائی مکن این
 خلاف واقع مثل شان احدیست و هر که ازین دور است از خوبی دولت معصوم است
 پتخت خرام که این جز است اگر تکبر و تنختر میکنی نه توانی که زمین را از پای کنی و سراز
 آسمان ببری - ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن که ترا نعمت فرساید و بآن کار بپرداز
 گو این کار نیست دشوار که حق تعالی بشمار است که توانی که از مدتش برآئی
ع از دست و زبانی که برآید **ع** که عهد و شکرش بد آید **ع** شکر این است
 که بر هر نعمت از زبان اقرارش نمائی و دل را از ان بشاشد و آری و محضاً
 هر وقت کارش بازنداری دوست و پامی بکارش فرسائی هر چه که از او رسد بآن
 خوش باشی اگر ناگوار داری و از او راضی نشوی ضرر است که از ملک او تعالی

بیرون روی از زینش بد شد و از سایه آسمان بیرون رود که کفران نعمت
 بهینست هشتاد و این مکن و از پیرمیز گرد دلت کز ان اغامات الهی در آید
 نور ایمان و نعمت خداوند سبحان فزاید ای فرزندان توانی بزرگان را ادب پیش آید
 و خوردان را به شفقت خوش دار شعر ادب تا چیست از لطف الهی به بهر سر
 برو هر جا که خواهی این را به نفس خود خیال که آنچه بر خود نپسندی برو دیگران
 پسند بشنو بهیچ خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روی بگذار چون تو
 پاشیده اند تو بر خلق پاش شیوه مردمی و مروت را شعاع خود ساز بهیچ نکویی خود منان
 دوست و دشمن را به نیک روش خود شاو کن و خندان و دوستان و دشمنان را
 از کار خود مرخنان تا او شان دوستی افزایند و ایشان از دشمنی باز آید
 شعر آسانش دو گیتی تفسیر این دو حرفست باد و ستان تلافی باد دشمنان را
 ای فرزید در همه حال قایم مزاج باشی تلوی از خود رناسازی هر قدر سختی که چاره
 شود بد دل مشو بهیچ دولت و دانائی گوارا کرده بدفع آن بکوش تا وقتی آید که
 از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران هست و هم

سبب غضب الهی و باعث خوشنودی دشمنان - جائیکه پند بشنوی یا به
 بینی آنرا پسند - آنچه امر حق خوانند و یا بخوانی خود را بعملش بند مثل آن
 حمار نباشی که انبار حکمت بردارد اما هیچ نفعی از او حاصل نسازد - درونک
 و نوکر قسم مباش که بے اعتبار خواهی شد و مردی که بے اعتبار است دشمن
 مردمان خوار است قناعت پیشه کن که بهترین صفت مردمی است و محبوب
 راحت دنیا و باعث مسرت و ریحی - جائی خود نگه دار و جاهی را از دست
 گذار - از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنه و سخت را
 بخود راه ده و در همه جا خود را کمترین ضلایق شمر - اما بابت کبران
 عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر مدار از حسد چون
 درنده بگیر زیرا که آتش است جان سوز - این کیمیاست دوستان را
 پیامور - آنچه که گوئی بتعالی گوئی اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک
 نباشد چون تیر از دست رفته باز نیاید و مسرت بدست آید از صحبت
 بد بگریز چون گوسفندان از گرگ میگریزان که دین و ایمان را

بے نور سازد و فهم و فراست از تو بر باید **۵** صحبت صالح ترا
 صالح کند **۶** صحبت طالح ترا طالح کند **۷** را از خود راجب دوست
 خالص گفتن خود را در ورطه پست انداختن است اگر گویی حسرت
 بری و باز ای شرمندامت بری دوست را از دشمنان بر آوردن
 کار دشوار است که دوست کیاب است و دشمن دوست نما
 بسیار کار شایسته بے مشورۃ دوست مکن **۸** در چنین
 کار مشورت باید **۹** کار بے مشورت نکوناید **۱۰** ای فرزندان از آنچه
 که داری تا توانی حاجت خالق بر آرد تا ضرورت های تو بر آید
 خدایا بر تو پاشد تو بر خلق پاش چشم از عیب پوشیدن
 و سیرت عفو گرفتن فرزانگی است و در حالت غضب
 غیظ را فرو خور و در مردانگی است صلی الله تعالی علی خیر خلق
 محمد و آل و اصحابه اجمعین بر جنتک یا ارحم الراحمین **۱۱** م م م م

مزا سہ خاتمہ الطبع

ہزاران ہزار شکرانہ و حسن و لغت بجا و تہنیتی ایکو نہاد۔ و منقبت آل طہا
 و مصاحب اصحاب کبار۔ کے بعد محمد بن حسین پر صد ہر سیکندری۔ پسند طبع ریاض
 خدمت پاک دیدہ انہام میں۔ گزارش پر دوازہ الفتح۔ کہ اندرون کتابدار العبادت
 مسمی تعلیم صبیان نام یکہ اقبال۔ واسطے فائزہ عام انوار و عواطف ہونا
 اطفال سلام ہو پال کے۔ کہ اسکو پڑھ کر مسائل دین سے جو کہ کن اول طوبہ گاہ ایمان
 آگاہ حقایق ہو کر علم معاش کی طرف۔ متوجہ ہوں بنا بر الطباع کمال اس مطبع میں آئی
 اور توجہ حکمشا حقایق۔ قد روان جہان یکتائی ہے ممتا۔ فیض سران اہل عطا۔
 جبل فقار گل گلستان خاندان۔ نہال فائزہ لیسین محمد خان بہادر
 رئیس متبرکہ دارالاقبال۔ تیرا غلام۔ ال۔ و ام قبالہ و شوکتہ الی یومہ و اور
 مطبع منورہ سیکندری رام پور میں۔ ناہ فیروزند بیچ ان فی۔ زیور اصنام طبع ہے ہر تہ ہونی
 رازدان البامولف ناہ کی سعی کامیاب فرما۔ اور کتاب مقبول طبائع اطہر کر۔
 بحیرت النبی وآلہ الامجاد و اصحاب مناجیج مراد۔ تمام شہر التماس

ت ۳۳
ن ۲۰

۷۹۷۵۰۷
DUE DATE

۴۹۷۵۳۴۱
~~۷۹۷۵۳۴۱~~

		۷۹	۷۷

ت ۳۳۳ ۲۹۷۰۷

۲۳۴۷

Date	No.	Date	No.
------	-----	------	-----